

The Effect of Corporate Financing on Asymmetric Cost Behavior With Emphasis on the Moderating Role of Internal Control, Representation and Governance Mechanisms

Mohammad Taghi Kabiri *, Keramat Allah Heydari Rostami ** , Farinosh Shahmoradi ***

Research Paper

Abstract

Asymmetric cost behavior refers to the different response of variable costs in case of an increase or decrease in the level of the company's operating activity due to managerial commitment decisions to preserve unused resources when the volume of activity decreases. The purpose of this research is to investigate the impact of corporate financing on asymmetric cost behavior, emphasizing the moderating role of corporate governance mechanisms. For this purpose, 119 companies of the Tehran Stock Exchange have been selected as the statistical sample of the research during the years 2011 to 2023. The results of the test of the research hypotheses indicate that financing has a significant and opposite effect on the asymmetric behavior of cost. Also, it can be inferred that in companies that do not have weak internal control, the relationship between financing and stickiness of the total cost of goods sold and administrative, general, and sales costs are reduced, so the company's internal quality control plays an effective role in managing asymmetric cost behavior. Also, the results showed that better governance mechanisms play an effective supervisory role in controlling managers' motivations.

Keywords: Financing, Asymmetric Cost Behavior, Governance Mechanisms of Internal Control, Agency

Received: 2023. April. 09, Accepted: 2024. February. 21.

* Assistant Prof., Department of Management, University of Arak, Arak, Iran (corresponding author).

E-Mail: Kabiri_60@yahoo.com

** Assistant Prof., Department of Management, University of Arak, Arak, Iran.

E-Mail: heydarykeramat@gmail.com

*** MA., Department of Accounting, Khoram Abad University, Khoram Abad, Iran.

E-Mail: Farinosh.Shahmoradi72@gmail.com

تأثیر تامین مالی شرکتی بر رفتار نامتقارن هزینه با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کنترل داخلی، نمایندگی و سازوکارهای حاکمیتی

محمدتقی کبیری*، کرامت‌الله حیدری رستمی**، فرینوش
شهمرادی***

مقاله پژوهشی

چکیده

رفتار نامتقارن هزینه به واکنش متفاوت هزینه‌های متغیر در صورت افزایش یا کاهش در سطح فعالیت عملیاتی شرکت به دلیل تصمیمات تعهد مدیریتی برای حفظ منابع بلااستفاده در زمانی که حجم فعالیت کاهش می‌یابد، اشاره دارد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر تامین مالی شرکتی بر رفتار نامتقارن هزینه با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌باشد. بدین منظور ۱۱۹ شرکت بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه آماری پژوهش طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ انتخاب شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که تامین مالی بر رفتار نامتقارن هزینه تأثیر معکوس و معنادار دارد. همچنین، می‌توان این‌گونه استنباط کرد شرکت‌های که ضعف کنترل داخلی نداشته باشند، رابطه بین تامین مالی و چسبندگی مجموع بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش کاهش می‌یابد بنابراین کنترل کیفیت داخلی شرکت نقش مؤثری در مدیریت رفتار هزینه نامتقارن ایفا می‌کند. همچنین، نتایج نشان داد، ساز و کارهای حاکمیتی بهتر نقش نظارتی مؤثری در مهار انگیزه‌های مدیران ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تامین مالی، رفتار نامتقارن هزینه، سازوکارهای حاکمیتی کنترل داخلی، نمایندگی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲.

E-Mail: Kabiri_60@yahoo.com

* استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول).

E-Mail: heydarykeramat@gmail.com

** استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

E-Mail: Farinosh.Shahmoradi72@gmail.com

*** کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه خرم آباد، خرم آباد، ایران.

۱. مقدمه

رفتار نامتقارن هزینه به واکنش متفاوت هزینه‌های متغیر در صورت افزایش یا کاهش در سطح فعالیت عملیاتی شرکت به دلیل تصمیمات تعهد مدیریتی برای حفظ منابع بلااستفاده در زمانی که حجم فعالیت کاهش می‌یابد، اشاره دارد. هزینه‌های عملیاتی واحد تجاری دربرگیرنده بهای تمام‌شده کلای فروش رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش است. هزینه‌های اداری، عمومی و فروش بخش مهمی از هزینه‌های عملیات تجاری را تشکیل می‌دهد. هزینه‌های واقع شده در واحد تجاری متناسب با سطح فعالیت می‌توانند رفتارهای متفاوتی را از خود نشان دهند [۳۳]. دیدگاه سنتی رفتار هزینه، هزینه‌ها را به عنوان ثابت یا متغیر، مربوط به تغییرات در سطح حجم فعالیت عملیاتی طبقه‌بندی می‌کند. در دیدگاه سنتی رفتار هزینه، فرض اساسی این است که تصمیمات تخصیص منابع مدیریتی مرتبط با هزینه‌های متغیر مکانیکی و مستقل از جهت تغییرات در فعالیت عملیاتی است. هزینه‌های متغیر در صورتی چسبنده (ضد چسبنده) در نظر گرفته می‌شوند که میزان افزایش آن‌ها به صورت مطلق، مربوط به افزایش فعالیت اقتصادی، بزرگتر (کمتر) از مقدار کاهش آن‌ها به صورت مطلق و مطابق با کاهش معادل در فعالیت اقتصادی باشد. همچنین، رفتار نامتقارن هزینه‌ها به دلیل استفاده از اختیارات مدیریتی برای انجام تعدیل منابع در پاسخ به تغییرات تقاضا ایجاد می‌شود. ادبیات اولیه بررسی این پدیده فرض می‌کند که هزینه‌های تعدیل نیروی کار یکی از دلایل اصلی این عدم تقارن مشاهده شده در هزینه‌ها است. ادبیات قبلی، عوامل متعددی را برای ایجاد عدم تقارن هزینه شناسایی کردند که عبارتند از: (۱) سطح هزینه‌های تعدیل شده، (۲) انتظارات مدیریتی در مورد سطح فروش آینده، (۳) میزان تغییر فعالیت اقتصادی، (۴) شدت سرمایه گذاری‌های نامشهود، (۵) جهت‌گیری استراتژیک شرکت و (۶) رفتار مدیریت امپراتوری‌سازی [۹].

تحقیقات اخیر نشان داده است که مشکل نمایندگی، پیگیری مدیریتی برای منافع خصوصی به هزینه شرکت، یکی از عواملی است که منجر به چسبندگی هزینه‌ها می‌شود. انگیزه ساخت امپراتوری، یکی از مشوق‌های نمایندگی مدیریت در جهت تمایل مدیران برای رشد شرکت به اندازه‌ای بزرگتر از اندازه بهینه، با هدف افزایش منافع خصوصی آن‌ها اشاره دارد. اندازه شرکت بزرگتر، غرامت پولی بیشتر، شرایط بهتر، اعتبار بالاتر و پوشش رسانه‌ای بیشتر به طرق مختلف برای مدیران عامل سودمندی است. بنابراین، مدیران انگیزه‌هایی برای رشد اندازه شرکت و مشوق‌هایی برای کوچک کردن شرکت دارند. حتی اگر فروش کاهش یابد، بعید به نظر می‌رسد که مدیران، منابع، مانند کارمندان و دارایی‌ها را متناسب با کاهش، تعدیل کنند. این می‌تواند منجر به رفتار نامتقارن هزینه شود. از این رو، حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند رفتار امپراتوری‌سازی مدیران و میزان رفتار نامتقارن هزینه‌ها را کاهش دهد [۲۴]. در ساختار رهبری واحد، جایی که قدرت تصمیم‌گیری توسط یک مدیرعامل واحد متمرکز است، ممکن است کنترل تعقیب منافع خصوصی

مالک دشوار باشد. مهم است که اختیارات متمرکز بین بیش از یک مجری توزیع شود. در یک ساختار چند مدیر عاملی که در آن دو یا چند مدیر عامل با هم کار می‌کنند، قدرت مدیریتی در یک مدیر عامل واحد متمرکز نمی‌شود. بنابراین، نظارت متقابل توسط مدیران عامل شرکت، تصمیم‌گیری مدیریتی را برای یک مدیر عامل دشوار می‌کند [۳۱].

یکی از موضوعات حائز اهمیت در علم اقتصاد، مسئله جذب سرمایه در فرآیند رشد واحدهای اقتصادی است. در عصر حاضر، سرمایه در فرآیند رشد واحد اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که کلیه عوامل که به گونه‌ای بر رشد واحد اقتصادی تاثیرگذار است، مانند افزایش فروش، مدیریت بهای تمام شده، تربیت نیروی انسانی ماهر، بهره‌وری و استفاده بهینه از ظرفیت‌ها با در اختیار داشتن سرمایه و مدیریت دانش و تجربه امکان‌پذیر است [۲]. تامین مالی یکی از اجزای ضروری عملیات هر شرکت است. اتخاذ سیاست‌های درست تامین مالی، یکی از جنبه‌های مهم تصمیم‌گیری مدیران به شمار می‌رود. مطالعات پیشین، سه نظریه برای سیاست تامین مالی شرکت‌ها مطرح کرده‌اند؛ نظریه توازی ایستا، نظریه سلسله مراتب و نظریه نمایندگی. این نظریه‌ها حول این واقعیت می‌چرخند که در شرکت‌های درگیر با عدم تقارن اطلاعاتی (به دلیل پذیرش ریسک بیشتر)، هزینه تامین مالی خارجی از هزینه تامین مالی داخلی بیشتر است. وجود حاکمیت شرکتی کارآمد و اثربخش به عنوان ابزاری برای ایجاد توازن بین سهامداران و مدیریت محسوب شده و موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و مسائل نمایندگی می‌شود [۸]. همچنین، با تشدید رقابت بین‌المللی، مدیران نیز به اطلاعاتی در مورد مدیریت هزینه نیاز دارند. مدیران علاقه‌مند به تخمین الگوهای رفتار هزینه گذشته هستند. این اطلاعات می‌تواند به تصمیم‌گیری‌ها و پیش‌بینی‌های دقیق‌تر در مورد هزینه‌های برنامه‌ریزی شده آینده کمک کند. رفتار هزینه بر این اساس به تغییرات در فعالیت‌ها و تصمیمات پاسخ می‌دهد [۴]. در نتیجه، هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر تامین مالی شرکتی بر رفتار نامتقارن هزینه با تاکید بر نقش تعدیل‌کنندگی سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

چسبندگی هزینه به پدیده‌ای اشاره دارد که در آن کاهش هزینه‌ها در پاسخ به کاهش فروش، کمتر از افزایش هزینه‌ها در پی افزایش فروش است. مطالعات قبل از چن و همکاران [۱۳]، رفتار نامتقارن هزینه را از دیدگاه اقتصادی اینگونه توضیح می‌دهند. به عنوان مثال، استدلال شده که هزینه‌ها به دلیل تصمیم عمده مدیران برای تعدیل منابع مرتبط با یک فعالیت رخ داده است. این در حالی است که تغییر سطح منابع پرهزینه است؛ چرا که، مستلزم هزینه‌های تعدیل، مانند پرداخت‌های اخراج برای کارکنان اخراج‌شده یا هزینه‌های استخدام و آموزش برای استخدام‌های جدید می‌باشد. علی‌رغم هزینه‌های تعدیل، مدیران مایل به افزایش منابع در هنگام افزایش فروش

هستند. همچنین، آن‌ها مایل به حفظ منابع استفاده نشده در صورت کاهش فروش هستند؛ زیرا آن‌ها هزینه‌های تعدیل بلندمدت یا هزینه‌های نامشهود را در نظر می‌گیرند که در حسابداری اندازه‌گیری نشده‌اند. انتظارات خوش‌بینانه مدیران در مورد فروش آتی نیز نقش کلیدی در رفتار نامتقارن هزینه دارد [۲۴].

در همین راستا، حاکمیت شرکتی به سیستمی اطلاق می‌شود که مدیران اجرایی را نظارت و کنترل می‌کند تا اطمینان حاصل شود که آن‌ها به‌جای تحقق منافع خصوصی‌شان، در جهت نفع سهامداران کار می‌کنند. بنابراین، رفتار نامتقارن هزینه ناشی از مشکلات نمایندگی، می‌تواند تحت کنترل و نظارت موثر سیستم کاهش یابد. تحقیقات قبلی در مورد انگیزه‌های مدیریتی برای ساختن امپراتوری‌ها و عدم تمایل به کوچک‌سازی نیز نشان دادند که این انگیزه‌ها توسط یک سیستم کنترل مؤثر تضعیف می‌شوند. مشخص شده است که شرکت‌های دارای هیئت مدیره مستقل، بیشتر درگیر کوچک‌سازی هستند [۱۵]. همچنین، جریان تحقیق در مورد تامین اعتبار تجاری نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگتر، شرکت‌هایی با کیفیت افشا و کیفیت گزارشگری بالاتر یا شرکت‌هایی با کیفیت سود بالاتر به دلیل وجود عدم تقارن اطلاعاتی کمتر، به احتمال زیاد اعتبار تجاری بیشتری کسب می‌کنند. اعتبار تجاری، منبع مهم تامین مالی کوتاه‌مدت برای اغلب شرکت‌ها است، به خصوص برای شرکت‌هایی که با مشکل در اخذ تامین مالی از منابع خارجی دیگر مواجه هستند [۸].

هارتلیب و همکاران [۲۰] تأثیر سرمایه اجتماعی جامعه را بر چسبندگی هزینه‌ها بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که اختیار مدیران نقش مهمی در رفتار هزینه ایفا می‌کند. از منظر عوامل تعیین کننده رفتار نامتقارن هزینه، عمدتاً سه دیدگاه وجود دارد. (۱) دیدگاه هزینه تعدیل: اندرسون و یاسوکاتا [۷] و [۳۷] نشان می‌دهند که مدیران، منابع را طی دوره کوتاه کاهش فروش، در بلندمدت حفظ خواهند کرد. آن‌ها دریافتند که استفاده از منابع حفظ شده می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد و در صورت افزایش فروش، سود را افزایش دهد. علاوه بر این، مدیران با امید به درآمدزایی در آینده سعی خواهند کرد با حفظ منابع خود از محرومیت از درآمدهای احتمالی آتی جلوگیری کنند. آن‌ها دریافتند که استفاده از منابع حفظ شده می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد و در صورت افزایش فروش، سود را افزایش دهد. علاوه بر این، مدیران با امید به کسب درآمد در آینده سعی می‌کنند منابع خود را حفظ کنند تا از محرومیت از درآمدهای احتمالی آتی جلوگیری کنند [۳۲]. [۳۷].

بنابراین، رفتار نامتقارن هزینه نتیجه تعدیل عمدی منابع اقتصادی سرمایه‌گذاری شده در فعالیت‌های تجاری توسط مدیران است. (۲) دیدگاه عامل اصلی: چن و همکاران [۱۳] نشان می‌دهد که انگیزه مدیران برای ساختن امپراتوری شخصی باعث چسبندگی هزینه‌ها می‌شود. (۳)

انتظارات خوش بینانه مدیران. بعدها، آن‌ها دریافته است که چشم‌انداز فروش آتی با درجه فعلی رفتار نامتقارن هزینه مرتبط است. اعتماد بیش از حد مدیر عامل و مدیر مالی، تقاضای آینده را بیش از حد برآورد می‌کند و منجر به افزایش رفتار نامتقارن هزینه می‌شود که بر اساس انتظارات خوش بینانه مدیریت است [۱۴]. علاوه بر این، یک هیئت مدیره متنوع می‌تواند موضوعات متعددی مانند منافع ذینفعان انبوه و تصمیمات موثر سرمایه‌گذاری و ایجاد ارزش را اتخاذ کند [۵]. نقش مدیران زن در هیئت مدیره توسط هانگ و کیسگن [۲۱] بررسی شده است. آن‌ها استدلال کردند که زنان، تصمیمات مالی و سرمایه‌گذاری شرکتی متفاوتی نسبت به مردان می‌گیرند [۱۳]؛ زیرا آن‌ها بیشتر خدمات‌گرا و فعال هستند. تعداد بیشتر زنان در هیئت مدیره شرکت ممکن است پیام‌های مهم و تأثیرات نهایی مثبتی برای ذینفعان داشته باشند که منجر به در نظر گرفتن تأثیرات مثبت در فرآیند تصمیم‌گیری می‌شود. علاوه بر این، دیدگاه‌ها و نگرش‌های آن‌ها با هم‌تایان مردشان متفاوت است [۲۶] و در سیاست‌های نوآورانه و تمرکز بر منافع ذینفعان جدی‌تر هستند که بر هیئت مدیره برای اتخاذ ابتکارات سرمایه‌گذاری بیشتر تأثیر می‌گذارد [۱۸]. تحقیقات قبلی نشان می‌دهد، افراد خارجی بیشتر در هیئت مدیره نشان دهنده توانایی هیئت مدیره برای در نظر گرفتن منافع بیشتر سهامداران هستند که منجر به عملکرد بهتر با سطح ریسک اعتباری پایین‌تر می‌شود [۲۸]. هارفورد و همکاران [۱۹] با بررسی نقش هیئت‌مدیره در تصمیم‌های تامین مالی به ویژه انتخاب بدهی کوتاه‌مدت، دریافته‌اند هیئت‌مدیره قوی‌تر، شرکت را مجبور می‌کند بدهی و به طور خاص بدهی کوتاه‌مدت بیشتری جذب کند. پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد هیئت‌مدیره، قدرت تنظیم سیاست‌های تامین مالی را دارد و ترکیب هیئت‌مدیره بر سررسید بدهی اثرگذار است. یکی بودن وظیفه مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره در نقش یکی از متغیرهای اطمینان بیش از حد، سبب ساختار سررسید بدهی ضعیف‌تری شده است [۳۸]. لی و ژنگ [۲۵] بیان کردند، هر چه استراتژی شرکت با توجه به اطلاعات آتی شرکت چشم‌انداز روشن‌تری داشته باشد، عدم تقارن رفتار هزینه افزایش می‌یابد؛ چرا که اطلاعات آتی مثبت سبب ترغیب مدیران به حفظ منابع بی‌استفاده بیشتر می‌شود. علی‌کبری [۳] دریافت، اگر مدیر انتظار داشته باشد که در آینده رشد می‌کند یا درآمدهای شرکت پایدار می‌ماند، در استراتژی منابع بلندمدت تعهدشده سرمایه‌گذاری می‌کند؛ زیرا هزینه‌های متحمل و استفاده‌شده هر واحد از ظرفیت منابع تعهد شده، کمتر از منابع انعطاف‌پذیر است. از سوی دیگر، در صورتی که مدیر در ارتباط با انتظارات آینده فروش در وضعیت عدم اطمینان یا نوسان زیاد قرار داشته باشد، به طور مسلم باید سرمایه‌گذاری در استراتژی منابع انعطاف‌پذیر را انتخاب کند؛ زیرا هزینه‌های تعدیل بابت منابع استفاده نشده هر واحد منابع انعطاف‌پذیر، کمتر از منابع تعهد شده بلندمدت است. همچنین، براساس استدلال دیگر، شرکت‌هایی که سهم بدهی بیشتری در ساختار سرمایه خود دارند و استراتژی تامین مالی را بر اساس بدهی قرار می‌دهند، برای پرداخت هزینه بهره تحت فشار قرار می‌گیرند؛ چرا که برای

پرداخت هزینه بهره نسبت به سود تقسیمی (مربوط به تامین مالی از طریق سهام) فشار بیشتری را متحمل می‌شوند. بنابراین، شرکت‌هایی که در ساختار سرمایه خود سهم بدهی بیشتری دارند، به دلیل هزینه بهره بیشتر، انعطاف‌پذیری کمتری در مقابل کاهش فروش دارند و ملزم به کاهش منابع بی‌استفاده می‌شوند که در نتیجه موجب کاهش سطح عدم تقارن رفتار هزینه خواهد شد [۳۵]. تامین مالی شرکت‌ها می‌تواند به کاهش جریان نقدی آزاد فعلی آن‌ها کمک کند. کاهش جریان نقدی آزاد منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی و تضعیف انگیزه مدیریتی برای حفظ قدرت مدیران می‌شود. این امر می‌تواند برای مهار انگیزه مدیران جهت افزایش بی‌رویه ظرفیت تولید در هنگام افزایش فروش و همچنین تلاش برای حفظ دارایی‌هایی مازاد هنگام کاهش فروش، مفید واقع شود؛ بنابراین تامین مالی شرکتی می‌تواند بر رفتار چسبندگی هزینه‌ها تاثیر گذار باشد [۳۹].

به گفته سانگ [۳۴] دارایی‌های مالی باعث می‌شود که شرکت‌ها بیشتر درگیر مشکلات مالی و ورشکستگی شوند. افزایش ریسک ورشکستگی مدیران را قادر می‌سازد تا تعادل درآمد و هزینه‌های فروش را در حین پیگیری تامین مالی شرکت در نظر بگیرند. کاستا و احسن حبیب [۱۶] بیان کردند، برخی عوامل تعیین‌کننده رفتار هزینه نامتقارن در سطح شرکت شامل محدودیت‌های تامین مالی، عوامل اجتماعی- سیاسی، مسئولیت اجتماعی شرکت، کنترل داخلی شرکت، استراتژی شرکت، اعتماد بیش از حد مدیریتی، انگیزه‌های مدیریتی، هزینه‌های تعدیل، خوش بینی مدیریتی، مشکل نمایندگی، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و ... است.

تحقیقات پیشین در داخل و خارج از ایران در حیطه موضوع پژوهش حاضر بدین شرح است.

کو و همکاران [۲۳] در پژوهشی با عنوان «رفتار هزینه نامتقارن و تصمیم‌گیری استراتژیک» نشان داد، این واقعیت که رفتارهای هزینه شرکت‌های زیان‌ده با سایر شرکت‌ها متفاوت است، نشان می‌دهد که شرکت‌های زیان‌ده از تصمیمات مربوط به هزینه برای مدیریت سود استفاده می‌کنند. بالاس و همکاران [۱۰] «تأثیر استراتژی بر رفتار هزینه نامتقارن» را بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهند، موقعیت استراتژیک شرکت و مجموعه منابع نامشهود آن به‌طور مستقل بر تصمیمات تخصیص منابع که سبب ایجاد عدم تقارن هزینه هستند، تأثیر می‌گذارد. ابوسردانه [۱] در پژوهش «بینش‌های جدید از رفتار هزینه نامتقارن در شرکت‌های غیر مالی» نشان داد، یافته‌ها از ادبیات مرتبط قبلی در مورد تأثیر تولید ناخالص داخلی، شدت دارایی، شدت بدهی و جریان نقدی آزاد بر رفتار هزینه‌های نامتقارن حمایت می‌کنند، اما هیچ مدرکی از تأثیر صنعت و عوامل کاهش متوالی بر رفتار هزینه پشتیبانی نمی‌کند.

ایزدی‌نیا و همکاران [۲۲] در پژوهشی با عنوان «تأثیر تغییرات فروش دوره‌های قبل بر رفتار نامتقارن هزینه» نشان دادند که افزایش فروش در یک دوره قبل و دو دوره قبل به صورت متوالی، موجب کاهش شدت چسبندگی بهای تمام شده کالای فروش رفته در دوره جاری می‌شود.

شریفی‌نسب و احمدی [۳۳] «تاثیر هزینه استقراض شرکت‌ها بر رفتار نامتقارن هزینه عمومی، اداری و فروش» را بررسی کردند. نتایج نشان داد که ضعف کنترل داخلی تاثیر معناداری بر رفتار نامتقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش دارد. پژوهش «تاثیر رفتار نامتقارن هزینه بر تأخیر گزارش حسابرس» نشان داد، رفتار نامتقارن هزینه بر تأخیر گزارش حسابرس اثر منفی و معنادار دارد.

با توجه به مطالب مطرح شده، فرضیات پژوهش بدین شرح است:

- فرضیه ۱: تامین مالی شرکت سبب کاهش رفتار نامتقارن هزینه شرکت می‌شود.
- فرضیه ۲: ضعف کنترل داخلی اثر تعدیلگری بر رابطه تامین مالی و رفتار نامتقارن هزینه شرکت دارد.
- فرضیه ۳: مشکل نمایندگی اثر تعدیلگری بر رابطه تامین مالی و رفتار نامتقارن هزینه شرکت‌ها دارد.
- فرضیه ۴: اندازه هیات مدیره اثر تعدیلگری بر رابطه تامین مالی و رفتار نامتقارن هزینه شرکت‌ها دارد.
- فرضیه ۵: استقلال هیات مدیره اثر تعدیلگری بر رابطه تامین مالی و رفتار نامتقارن هزینه شرکت‌ها دارد.
- فرضیه ۶: مالکیت نهادی اثر تعدیلگری بر رابطه تامین مالی و رفتار نامتقارن هزینه شرکت‌ها دارد.
- فرضیه ۷: مالکیت مدیریتی اثر تعدیلگری بر رابطه تامین مالی و رفتار نامتقارن هزینه شرکت‌ها دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-همبستگی، از لحاظ نوع پژوهش شبه تجربی و پس رویدادی و در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری است. جامعه آماری پژوهش متشکل از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که در نهایت پس از حذف سیستماتیک، ۱۱۹ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ انتخاب شده‌است. داده‌های پژوهش حاضر با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی شرکت‌ها پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار استخراج شدند. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از روش داده‌های پنلی و رگرسیون چندگانه استفاده شده است. همچنین، تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها با نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews ۱۱ صورت گرفت. جدول (۱) نحوه غربالگری جامعه آماری را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نحوه غربالگری جامعه آماری

تعداد شرکت‌ها	شرح
۶۰۲	کل شرکت‌های که تا پایان سال ۱۴۰۱ عضو بورس بودند.
۸۵	از ابتدای سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار پذیرفته نشده باشد.
۷۹	سال مالی آن منتهی به پایان اسفندماه نباشد.
۹۴	تعداد شرکت‌های که در قلمرو زمانی ۱۴۰۱-۱۳۹۱ در بورس فعال نبوده اند
۵۶	تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت داده باشد.
۱۲۷	جزء شرکت‌ها سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی باشد.
۴۲	داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش برای شرکت در دسترس نداشتند.
۱۱۹	تعداد نمونه آماری انتخاب شده

مدل‌های پژوهشی

بر اساس پژوهش ژو و همکاران [۳۹] مدل اصلی پژوهش به شرح زیر تدوین شده است.

$$\ln(Costs_{i,t}/Costs_{i,t-1}) = B_0 + B_1 \ln(Sales_{i,t}/Sales_{i,t-1}) + B_2 DD \times \ln(Sales_{i,t}/Sales_{i,t-1}) + B_3 DD \times \ln(Sales_{i,t}/Sales_{i,t-1}) Fin_{it} + B_4 DD \times \ln(Sales_{i,t}/Sales_{i,t-1}) \ln AS_{it} + B_5 DD \times \ln(Sales_{i,t}/Sales_{i,t-1}) \ln ES_{it} + B_6 DD \times \ln(Sales_{i,t}/Sales_{i,t-1}) Suc_{it} + B_7 DD \times \ln(Sales_{i,t}/Sales_{i,t-1}) GDP_{it} + E_t$$

رابطه (۱)

در معادله (۱)، $Costs_{i,t}$ تغییرات هزینه شرکت i در سال t (مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته)؛ $Sales_{i,t}$ تغییرات درآمد فروش شرکت i در سال t ؛ DD کاهش فروش شرکت i در سال t ؛ Fin_{it} تامین مالی شرکت i در سال t ؛ $\ln AS_{it}$ کثرت دارایی شرکت i در سال t ؛ $\ln ES_{it}$ کثرت کارکنان شرکت i در سال t ؛ Suc_{it} کاهش فروش سالانه برای دو سال متوالی شرکت i در سال t ؛ GDP_{it} رشد تولید ناخالص ملی شرکت i در سال t عبارت خطا است.

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش، رفتار نامتقارن هزینه می‌باشد. به پیروی از پژوهش ژو و همکاران [۳۹] به صورت لگاریتم نسبت مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$ محاسبه شده است.

متغیرهای مستقل

نحوه محاسبه متغیرهای مستقل پژوهش به شرح جدول (۲) است [۱۷]؛ [۱۲]؛ [۲۷]؛ [۲۹]؛ [۲۲]؛ [۳۴]؛ [۱۸]؛ [۳۰]؛ [۳۶]؛ [۱۱].

جدول ۲. نحوه محاسبه متغیرهای مستقل پژوهش

متغیر	نماد	نحوه محاسبه
لگاریتم تغییرات هزینه شرکت	$\ln(Sales_{i,t} / Sales_{i,t-1})$	لگاریتم نسبت فروش شرکت i در سال t نسبت به سال $t - 1$ محاسبه می‌شود.
کاهش فروش شرکت	DD	یک متغیر ساختگی است که اگر فروش شرکت در سال جاری کمتر از سال گذشته باشد مقدار این متغیر معادل ۱ و در غیر این صورت برابر ۰ خواهد بود.
تامین مالی شرکت	Fin_{it}	از طریق نسبت دارایی‌های مالی بر کل دارایی‌ها اندازه گیری می‌شود. دارایی‌های مالی مجموع سرمایه گذاری‌های جاری و سرمایه گذاری غیر جاری محاسبه می‌شود.
هزینه‌های تعدیل منابع	$\ln AS_{it}$	لگاریتم نسبت کل دارایی‌های به فروش می‌باشد.
	$\ln ES_{it}$	لگاریتم نسبت تعداد کارکنان به فروش
کاهش فروش سالانه برای دو سال متوالی	Suc_{it}	یک متغیر ساختگی است و هنگامی که فروش برای دو سال متوالی کاهش یافته است (فروش در سال قبل کمتر از فروش در دو سال قبل باشد) مقدار ۱ و در غیر این صورت ۰ است.
ضعف کنترل داخلی	ICW	برای سنجش ضعف کنترل داخلی از متغیر تعداد بندهای ذیل مسئولیتهای قانونی گزارش حسابرسی شرکت‌ها استفاده می‌شود. هر اندازه تعداد بندهای گزارش حسابرسی شرکت بیشتر باشد به همان اندازه میزان ضعف سیستم کنترل داخلی آن شرکت بیشتر خواهد
مشکل نمایندگی	Agp	از طریق نسبت هزینه‌های اداری عمومی و فروش بر مجموع دارایی‌ها محاسبه می‌شود. هرچه این نسبت بزرگتر باشد، مشکل نمایندگی زیاد و هرچه این نسبت کم باشد، مشکل نمایندگی شرکت کم است.
اندازه هیات مدیره	$Bdsize$	تعداد اعضای هیات مدیره
استقلال هیات مدیره	$Bdind$	نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره تقسیم بر تعداد کل اعضای هیات مدیره
مالکیت نهادی	$Insown$	درصد مالکیت مالکان نهادی
مالکیت مدیریتی	$Manown$	درصد مالکیت مدیران عالی شرکت

متغیر کنترلی

رشد تولید ناخالص ملی (GDP): برابر است با نسبت تولید ناخالص ملی شرکت i در سال t نسبت به سال $t - 1$ است [۳۹].

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش برای ۱۰۷۱ مشاهده سال-شرکت در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
تغییرات هزینه	$\Delta Cost$	۰/۲۱۲۰	۰/۲۰۹۴	۳/۴۴۶۴	-۲/۳۳۱۳	۰/۳۲۰۴	۰/۳۷۶۰	۱۸/۰۲۲
رشد فروش	$\Delta Sales$	۰/۰۹۸۵	۰/۱۸۴۷	۲/۴۸۴۶	-۲/۸۴۷۰	۰/۱۱۸۶	-۱/۵۵۵۲	۸/۴۸۰۸
کاهش فروش شرکت	DD	۰/۲۱۲۰	۰	۱	۰	۰/۴۰۸۸	۱/۴۰۹۳	۲/۹۸۷۰
تامین مالی	Fin	۰/۰۳۸۷	۰/۰۰۳۷	-۰/۸۱۱۵	۰	۰/۰۸۹۱	۳/۸۲۱۶	۲۰/۷۱۴
کثرت دارایی	InAS	۰/۰۹۶۸	۰/۰۹۷۱	۱/۴۰۵	-۰/۸۹۱	۰/۲۳۸۸	۰/۲۰۹۰	۴/۹۲۳۳
کثرت کارکنان	InES	-۳/۵۷۸۲	-۳/۵۴۲۶	-۱/۳۱۵۸	-۵/۵۴۸۵	۰/۴۷۶۷	-۰/۴۸۴۷	۵/۴۸۰۳
کاهش فروش سالانه متوالی	Suc	۰/۱۸۶۷	۰	۱	۰	۰/۳۸۹۸	۱/۶۰۷۶	۳/۵۸۴۶
ضعف کنترل داخلی	ICW	۰/۵۰۱	۱	۱	۰	۰/۲۹۰۹	-۰/۳۹۰	۱/۱۵۳۱
هزینه‌های نمایندگی	Agp	۰/۰۶۰۴	۰/۰۴۸۲	-۰/۳۳۸۷	-۰/۰۰۸۴	۰/۰۴۲۲	۲/۱۳۵۰	-۰/۴۸۷۳
اندازه هیات میزه	Bdsize	۴,۳۸۹۵	۵/۰۰۰۰	۵/۰۰۰۰	۳/۰۰۰۰	۰/۳۷۵۴	۲/۱۹۲۱	۳/۸۲۱۶
استقلال هیات مدیره	Bdind	۰/۴۷۱۲	۰/۶۶۶۷	۰/۸۰۰۰	-۰/۰۰۰۰	۰/۱۲۷۶	۴/۱۵۷۲	-۰/۹۸۴۱
مالکیت نهادی	Insown	۰/۴۳۱۸	۰/۴۲۰۰	-۰/۷۵۰۰	-۰/۱۲۰۰	۰/۲۱۰۸	۸/۱۲۰۹	۷/۴۵۵۹
مالکیت مدیریتی	Manown	۰/۲۵۳۷	۰/۲۴۰۰	-۰/۴۷۰۰	-۰/۰۰۰۰	۰/۰۷۴۶	۱/۷۷۶۸	۲/۳۱۹۴
رشد تولید ناخالص ملی	GDP	۰/۱۴۴۷	۰/۱۱۰۲	-۰/۳۳۸۸	-۰/۰۳۱۱	۰/۰۹۹۷	-۰/۷۳۴۷	-۰/۱۴۶۰

همانطور که جدول (۳) نشان می‌دهد، میانگین تغییرات هزینه مثبت و برابر ۰/۲۱۲۰ است که نشان می‌دهد، میانگین تغییرات هزینه شرکت‌های نمونه در سطح نسبتاً پایینی است. شاخص تامین مالی شرکت با میانگین ۰/۰۳۸ نشان می‌دهد که سطح تامین مالی شرکت‌ها چندان مطلوب نیست.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون فرض اول، دوم، سوم و چهارم پژوهش به ترتیب در جداول (۴)، (۵)، (۶) و (۷) آورده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون فرض اول پژوهش

متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
رشد فروش	$\Delta Cost$	1.3466	0.1167	11.5389	0.000
کاهش فروش شرکت	DD	-1.7879	0.1682	-10.6296	0.000
تامین مالی	Fin_{it}	-2.1899	1.0265	-2.1333	0.017
کثرت دارایی	$\ln AS_{it}$	-0.1161	1.4881	-0.0780	0.824
کثرت کارکنان	$\ln ES_{it}$	-0.4353	0.1928	-2.2577	0.041
کاهش فروش سالانه متوالی	Suc_{it}	0.2423	1.1045	0.2193	0.6728
رشد تولید ناخالص ملی	GDP	5.1601	0.9081	5.6823	0.000
عرض از مبدأ	E_t	-0.3218	0.0792	-4.0631	0.000
ضریب تعیین تعدیل شده		0.3874	آماره-F		12.4512
سطح معناداری		0.000	دوربین واتسون		1.8172

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد، چون $\beta_1 > 0$ مثبت و معنی دار است، بنابراین با ۱٪ افزایش فروش، بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش ۱,۳۴۶۶٪ درصد افزایش پیدا می‌کند. چون $\beta_2 < 0$ نشان دهنده رفتار نامتقارن بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش است. به عبارتی با ۱٪ کاهش فروش، بهای تمام شده ۱,۷۸۷۹٪ چسبندگی دارد ($\beta_1 + \beta_2 < \beta_1$) ضریب تعاملی تامین مالی شرکتی $\beta_3 < 0$ (۲,۱۸۹۹) است. بنابراین با توجه به کاهش ضریب منفی (ضریب β_3 نسبت به ضریب β_2) در شرکت‌های با تامین مالی بیشتر، می‌توان ادعا کرد که تامین مالی بیشتر، تاثیر منفی و معناداری بر رفتار نامتقارن مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش دارد (موجب کاهش ضریب منفی می‌شود). بنابراین رابطه منفی بین تامین مالی و رفتار نامتقارن هزینه وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین در این مدل، حدوداً ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین واتسون برای فرضیه اول (۱,۸۱۷۲) تایید می‌کند بین اجزای اخلاص در مدل خود همبستگی وجود ندارد. احتمال آماره F بیان می‌کند مدل برآورد شده از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرض اول پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون فرض دوم پژوهش

متغیر	نماد	شرکت‌ها بدون گزارش ضعف		شرکت‌ها دارای گزارش ضعف کنترل داخلی	
		ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
رشد فروش	$\Delta Sales$	۵,۶۵۹۱	۰/۰۰۰	۳,۷۵۳۲	۰,۰۰۲
کاهش فروش شرکت	DD	۲,۷۳۵۱	۰,۰۶۷	۰,۰۱۷۲	۰,۸۷۴
تامین مالی	Fin_{it}	-۰,۶۱۴۸	۰,۱۵۸	-۲,۰۷۳۹	۰,۰۳۷
کثرت دارایی	$ln AS_{it}$	-۳,۷۴۵۵	۰,۰۰۴	-۰,۴۸۸۱	۰,۵۹۱
کثرت کارکنان	$ln ES_{it}$	۰,۴۲۸۶	۰,۸۰۱	-۴,۱۲۷	۰,۰۰۰
کاهش فروش سالانه متوالی	Suc_{it}	-۰,۴۱۹۳	۰,۳۳۱	-۵,۷۷۳	۰,۰۰۰
رشد تولید ناخالص ملی	GDP	۰,۱۲۲۶	۰,۸۹۳	۲,۱۶۳۲	۰,۰۲۹
عرض از مبدأ	E_t	-۷,۵۴۳۸	۰,۰۰۰	-۹,۱۳۵	۰,۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۲۳۷		۰,۱۴۹	
آماره-F		۱۲,۸۵۴		۱۸,۶۵۴	
سطح معناداری		۰,۰۰۰		۰,۰۰۰	
دوربین واتسون		۲,۱۹۴		۱,۹۹۶	
تعداد		۵۶۸		۷۴۱	

با توجه به جدول (۵)، ضریب β_3 برای شرکت‌ها بدون ضعف کنترل داخلی برابر $-۰,۶۱۴۸$ است که با توجه به سطح معناداری که از $۰,۰۵$ بزرگتر است، در مدل معنادار نمی‌باشد. در حالی که ضریب β_3 برای شرکت‌ها دارای ضعف کنترل داخلی برابر $-۲,۰۷۳۹$ و معنادار می‌باشد. بنابراین، می‌توان این گونه استنباط کرد شرکت‌های که ضعف کنترل داخلی نداشته باشند، رابطه بین تامین مالی و چسبندگی مجموع بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش کاهش می‌یابد بنابراین کنترل کیفیت داخلی شرکت نقش مؤثری در مدیریت رفتار هزینه نامتقارن ایفا می‌کند. ضریب تعیین نشان می‌دهد در شرکت‌ها بدون ضعف کنترل داخلی حدوداً ۲۴ درصد و در شرکت‌ها دارای ضعف کنترل داخلی حدود ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین واتسون برای هر دو شرکت (بدون ضعف کنترل داخلی و دارای ضعف کنترل داخلی) دارای حد مجاز و بین $۱/۵۰$ تا $۲/۵۰$ تایید می‌کند بین اجزای اخلاص خود همبستگی وجود ندارد. احتمال آماره F بیان می‌کند مدل برآورد شده در هر دو شرکت از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه ۲ پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود.

جدول ۶. نتایج آزمون فرض سوم پژوهش

متغیر	نماد	شرکت‌ها دارای مشکل نمایندگی کم		شرکت‌ها دارای مشکل نمایندگی زیاد	
		ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
رشد فروش	$\Delta Sales$	۳,۷۱۶۰	۰,۰۰۰	۴,۱۷۶۲	۰,۰۰۰
کاهش فروش شرکت	DD	۰,۰۲۴۴	۰,۹۱۸	۰,۱۴۶۳	۰,۸۴۱
تامین مالی	Fin_{it}	-۰,۳۱۸۲	۰,۷۹۴۳	-۳,۲۴۳۸	۰,۰۰۰
کثرت دارایی	$\ln AS_{it}$	۰,۰۲۷۱	۰,۹۱۴	۰,۵۳۲۸	۰,۱۴۸
کثرت کارکنان	$\ln ES_{it}$	-۰,۰۳۹۲	۰,۷۴۹	-۰,۱۹۴۲	۰,۶۱۴
کاهش فروش سالانه متوالی	Suc_{it}	-۸,۹۹۱۴	۰,۰۰۰	۵,۳۵۲۴	۰,۰۰۰
رشد تولید ناخالص ملی	GDP	-۴,۱۶۷۲	۰,۰۰۰	-۰,۵۴۱۹	۰,۱۳۷
عرض از مبدأ	E_t	۷,۶۵۰۴	۰,۰۰۰	۶,۸۷۲۳	۰,۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۷۱۲		۰,۵۸۸	
آماره-F		۱۲,۶۵۷		۱۶,۷۲۹	
سطح معناداری		۰,۰۰۰		۰,۰۰۰	
دوربین واتسون		۱,۹۷۲		۲,۱۷۵	
تعداد		۵۰۳		۸۰۶	

با توجه به جدول (۶)، ضریب β_3 برای شرکت‌های با مشکل نمایندگی کم برابر $-۰,۳۱۸۲$ است که با توجه به سطح معناداری که از $۰,۰۵$ بزرگتر است، در مدل معنادار نمی‌باشد. در حالی که ضریب β_3 برای شرکت‌های با مشکل نمایندگی زیاد برابر $-۳,۲۴۳۸$ و معنادار می‌باشد. بنابراین، می‌توان این گونه استنباط کرد شرکت‌های که حاکمیت شرکتی قوی و مشکل نمایندگی کمتری دارند، رابطه بین تامین مالی و رفتار نامتقارن مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش کاهش می‌یابد. ضریب تعیین نشان می‌دهد در شرکت‌های دارای مشکل نمایندگی کم ۷۱ درصد و در شرکت‌های با مشکل نمایندگی زیاد حدود ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌شود مقدار آماره دوربین واتسون برای هر دو شرکت (مشکل نمایندگی کم و مشکل نمایندگی زیاد) دارای مقدار مجاز و بین $۱/۵۰$ تا $۲/۵۰$ تایید می‌کند بین اجزای اخلاص خود همبستگی وجود ندارد. احتمال آماره F بیان می‌کند مدل برآورد شده در هر دو شرکت از لحاظ آماری معنادار است. لذا ساز و کارهای حاکمیتی بهتر نقش نظارتی مؤثری در مهار انگیزه‌های مدیران ایفا می‌کند. بنابراین فرضیه ۴ پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود.

جدول ۷. نتایج آزمون فرض چهارم پژوهش

متغیر	نماد	شرکت‌ها با اندازه ی هیات مدیره پایین ^۱		شرکت‌ها با اندازه ی هیات مدیره بالا ^۲	
		ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
رشد فروش	$\Delta Sales$	9.8633	۰,۰۰۰	4.7692	۰,۰۰۰
کاهش فروش شرکت	DD	0.0647	۰,۹۱۸	0.3126	0.418
تامین مالی	Fin_{it}	-0.8446	0.114	-7.1817	۰,۰۰۰
کثرت دارایی	$\ln AS_{it}$	0.0719	0.892	0.0756	0.873
کثرت کارکنان	$\ln ES_{it}$	-0.1040	0.874	0.3689	۰,۶۱۴
کاهش فروش سالانه متوالی	Suc_{it}	23.8658	۰,۰۰۰	6.1124	۰,۰۰۰
رشد تولید ناخالص ملی	GDP	-11.0612	۰,۰۰۰	0.9483	0.101
عرض از مبدأ	E_t	20.3064	۰,۰۰۰	7.5595	۰,۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		0.324		0.418	
آماره-F		21.507		17.389	
سطح معناداری		۰,۰۰۰		۰,۰۰۰	
دوربین واتسون		1.977		1.988	

با توجه به جدول (۷)، ضریب β_3 برای شرکت‌های با اندازه ی هیات مدیره پایین برابر ۰.۸۴۴۶- است که با توجه به سطح معناداری که از ۰/۰۵ بزرگتر است، در مدل معنادار نمی‌باشد. در حالی که ضریب β_3 برای شرکت‌های با اندازه ی هیات مدیره بالا برابر ۷,۱۸۱۷- و معنادار می‌باشد. بنابراین، می‌توان این‌گونه استنباط کرد شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی قوی دارند، رابطه بین تامین مالی و رفتار نامتقارن مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش کاهش می‌یابد. ضریب تعیین نشان می‌دهد در شرکت‌های دارای اندازه هیات مدیره پایین ۳۲ درصد و در شرکت‌های با اندازه هیات مدیره بالا حدود ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌شود مقدار آماره دوربین واتسون برای هر دو نمونه شرکت دارای مقدار مجاز و بین ۱/۵۰ تا ۲/۵۰ تایید می‌کند بین اجزای اخلاص خود همبستگی وجود ندارد. احتمال آماره F بیان می‌کند مدل برآورد شده در هر دو شرکت از لحاظ آماری معنادار است. لذا ساز و کارهای حاکمیتی بهتر نقش نظارتی مؤثری در مهار انگیزه‌های مدیران ایفا می‌کند. بنابراین فرضیه ۴ پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود.

^۱ شرکت‌هایی در نمونه وارد شدند که جز یک سوم ابتدایی تعداد هیات مدیره باشند

^۲ شرکت‌هایی در نمونه وارد شدند که جز یک سوم آخر تعداد هیات مدیره باشند

جدول ۸. نتایج آزمون فرض پنجم پژوهش

متغیر	نماد	شرکت‌ها با استقلال هیات مدیره بالا ^۱		شرکت‌ها با استقلال هیات مدیره پایین ^۲	
		ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
رشد فروش	$\Delta Sales$	۰,۰۳۱۱	۰,۸۹۴	۴,۱۷۶۲	۰,۰۰۰
کاهش فروش شرکت	DD	۶,۸۷۴۱	۰,۰۰۰	۰,۱۴۶۳	۰,۸۴۱
تامین مالی	Fin_{it}	-۴,۴۳۳۹	۰,۰۰۰	-۳,۲۴۳۸	۰,۰۰۰
کثرت دارایی	$\ln AS_{it}$	۰,۰۱۲۸	۰,۶۵۹	۰,۵۳۲۸	۰,۱۴۸
کثرت کارکنان	$\ln ES_{it}$	-۰,۰۲۱۵	۰,۹۳۲	-۰,۱۹۴۲	۰,۶۱۴
کاهش فروش سالانه متوالی	Suc_{it}	۱۲,۷۱۲۷	۰,۰۰۰	۵,۳۵۲۴	۰,۰۰۰
رشد تولید ناخالص ملی	GDP	۵,۵۲۱۱	۰,۰۰۰	-۰,۵۴۱۹	۰,۱۳۷
عرض از مبدأ	E_t	۱۱,۱۷۴۲	۰,۰۰۰	۶,۸۷۲۳	۰,۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۲۷۱		۰,۳۴۹	
آماره-F		۱۶,۷۷۱		۱۴,۹۳۶	
سطح معناداری		۰,۰۰۰		۰,۰۰۰	
دوربین واتسون		۱,۸۷۲		۱,۷۹۴	

با توجه به جدول (۸)، ضریب β_3 برای شرکت‌های با استقلال هیات مدیره بالا برابر $-۴,۴۳۳۹$ است که با توجه به سطح معناداری که از $۰/۰۵$ کوچکتر است، در مدل معنادار می‌باشد. در حالی که ضریب β_3 برای شرکت‌های با استقلال هیات مدیره پایین برابر $-۳,۲۴۳۸$ و معنادار می‌باشد. بنابراین، می‌توان این گونه استنباط کرد شرکت‌های که حاکمیت شرکتی قوی دارند، رابطه بین تامین مالی و رفتار نامتقارن مجموع بهای تمام شده کالای فروش‌رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش کاهش می‌یابد. ضریب تعیین نشان می‌دهد در شرکت‌های دارای استقلال هیات مدیره بالا ۲۷ درصد و در شرکت‌های با استقلال هیات مدیره پایین حدود ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌شود مقدار آماره دوربین واتسون برای هر دو نمونه شرکت دارای مقدار مجاز و بین $۱/۵۰$ تا $۲/۵۰$ تایید می‌کند بین اجزای اخلاص خود همبستگی وجود ندارد. احتمال آماره F بیان می‌کند مدل برآورد شده در هر دو شرکت از لحاظ آماری معنادار است. لذا ساز و کارهای حاکمیتی بهتر نقش نظارتی مؤثری در مهار انگیزه‌های مدیران ایفا می‌کند. بنابراین فرضیه ۵ پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود.

^۱ شرکت‌هایی در نمونه وارد شدند که جز یک سوم آخر استقلال هیات مدیره باشند

^۲ شرکت‌هایی در نمونه وارد شدند که جز یک سوم ابتدایی استقلال هیات مدیره باشند

جدول ۹. نتایج آزمون فرض ششم پژوهش

متغیر	نماد	شرکت‌ها با مالکیت نهادی بالا ^۱		شرکت‌ها با مالکیت نهادی پایین ^۲	
		ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
رشد فروش	$\Delta Sales$	6.5179	۰,۰۰۰	7.3251	۰,۰۰۰
کاهش فروش شرکت	DD	0.0428	۰,۸۷۳	0.2566	۰,۸۰۵
تامین مالی	Fin_{it}	-0.5581	۰,۱۳۹	-5.6896	۰,۰۰۰
کثرت دارایی	$\ln AS_{it}$	0.0475	۰,۹۰۷	0.9345	۰,۱۲۸
کثرت کارکنان	$\ln ES_{it}$	-0.0688	۰,۸۲۴	-0.3406	۰,۴۱۸
کاهش فروش سالانه متوالی	Suc_{it}	15.7709	۰,۰۰۰	9.3881	۰,۰۰۰
رشد تولید ناخالص ملی	GDP	-7.3093	۰,۰۰۰	-0.9505	۰,۱۱۲
عرض از مبدأ	E_t	13.4188	۰,۰۰۰	12.0540	۰,۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۴۲۷		۰,۵۱۱	
آماره-F		۲۱,۷۱۷		۱۶,۶۱۴	
سطح معناداری		۰,۰۰۰		۰,۰۰۰	
دوربین واتسون		۱,۹۲۳		۱,۹۷۲	

با توجه به جدول (۹)، ضریب β_3 برای شرکت‌های با مالکیت نهادی بالا برابر $-۰,۵۵۸۱$ است که با توجه به سطح معناداری که از $۰/۰۵$ بزرگتر است، در مدل معنادار نمی‌باشد. در حالی که ضریب β_3 برای شرکت‌های با مالکیت نهادی بالا پایین برابر $-۵,۶۸۹۶$ و معنادار می‌باشد. بنابراین، می‌توان این گونه استنباط کرد شرکت‌های که حاکمیت شرکتی قوی دارند، رابطه بین تامین مالی و رفتار نامتقارن مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش کاهش می‌یابد. ضریب تعیین نشان می‌دهد در شرکت‌های دارای مالکیت نهادی بالا ۴۳ و در شرکت‌های با مالکیت نهادی بالا پایین حدود ۵۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌شود مقدار آماره دوربین واتسون برای هر دو نمونه شرکت دارای مقدار مجاز و بین $۱/۵۰$ تا $۲/۵۰$ تایید می‌کند بین اجزای اخلاص خود همبستگی وجود ندارد. احتمال آماره F بیان می‌کند مدل برآورد شده در هر دو شرکت از لحاظ آماری معنادار است. لذا ساز و کارهای حاکمیتی بهتر نقش نظارتی مؤثری در مهار انگیزه‌های مدیران ایفا می‌کند. بنابراین فرضیه ۶ پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود.

^۱ شرکت‌هایی در نمونه وارد شدند که جز یک سوم آخر مالکیت نهادی باشند

^۲ شرکت‌هایی در نمونه وارد شدند که جز یک سوم ابتدایی مالکیت نهادی باشند

جدول ۱۰. نتایج آزمون فرض هفتم پژوهش

متغیر	نماد	شرکت‌ها با مالکیت مدیریتی بالا ^۱		شرکت‌ها با مالکیت مدیریتی پایین ^۲	
		ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
رشد فروش	$\Delta Sales$	3.0601	۰,۰۰۰	3.4391	۰,۰۰۰
کاهش فروش شرکت	DD	0.0201	۰,۸۱۴	0.1205	۰,۸۵۹
تامین مالی	Fin_{it}	-0.2620	۰,۳۱۷	-2.6713	۰,۰۲۸
کثرت دارایی	$\ln AS_{it}$	0.0223	۰,۹۷۱	0.4388	۰,۱۵۳
کثرت کارکنان	$\ln ES_{it}$	-0.0323	۰,۶۱۹	-0.1599	۰,۶۲۷
کاهش فروش سالانه متوالی	Suc_{it}	7.4044	۰,۰۰۰	4.4077	۰,۰۰۰
رشد تولید ناخالص ملی	GDP	-3.4317	۰,۰۰۰	-0.4463	۰,۱۴۵
عرض از مبدأ	E_t	6.3001	۰,۰۰۰	5.6593	۰,۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۴۱۷		۰,۶۵۵	
آماره-F		۲۱,۵۲۴		۱۶,۱۷۵	
سطح معناداری		۰,۰۰۰		۰,۰۰۰	
دوربین واتسون		۲,۰۵۴		۱,۹۹۷	

با توجه به جدول (۱۰)، ضریب β_3 برای شرکت‌های با مالکیت مدیریتی بالا برابر $-۰,۲۶۲۰$ است که با توجه به سطح معناداری که از $۰/۰۵$ بزرگتر است، در مدل معنادار نمی‌باشد. در حالی که ضریب β_3 برای شرکت‌های با مالکیت مدیریتی بالا پایین برابر $-۲,۶۷۱۳$ و معنادار می‌باشد. بنابراین، می‌توان این گونه استنباط کرد شرکت‌های که حاکمیت شرکتی قوی دارند، رابطه بین تامین مالی و رفتار نامتقارن مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش کاهش می‌یابد. ضریب تعیین نشان می‌دهد در شرکت‌های دارای مالکیت مدیریتی بالا ۴۲ درصد و در شرکت‌های با مالکیت مدیریتی بالا پایین حدود ۶۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌شود مقدار آماره دوربین واتسون برای هر دو نمونه شرکت دارای مقدار مجاز و بین $۱/۵۰$ تا $۲/۵۰$ تایید می‌کند بین اجزای اخلاص خود همبستگی وجود ندارد. احتمال آماره F بیان می‌کند مدل برآورد شده در هر دو شرکت از لحاظ آماری معنادار است. لذا ساز و کارهای حاکمیتی بهتر نقش نظارتی مؤثری در مهار انگیزه‌های مدیران ایفا می‌کند. بنابراین فرضیه ۷ پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود.

^۱ شرکت‌هایی در نمونه وارد شدند که جز یک سوم آخر مالکیت مدیریتی باشند
^۲ شرکت‌هایی در نمونه وارد شدند که جز یک سوم ابتدایی مالکیت مدیریتی باشند

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر تأمین مالی بر رفتار نامتقارن هزینه با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی حاکمیت شرکتی است. بدین منظور داده‌های ۱۱۹ شرکت (۱۴۲۸ شرکت - سال) پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ انتخاب و هفت فرضیه تدوین گردید. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش بدین شرح است. آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داد تأمین مالی شرکت به طور قابل توجهی رفتار نامتقارن هزینه را کاهش می‌دهد. این یافته همسو با نتایج ژو و همکاران و سانگ و همکاران [۳۹]، [۳۴]، انگیزه‌های قراردادی ممکن است مدیریت را بر آن دارد تا به منظور دسترسی به منابع بیشتر، هزینه را در شرایط کاهش درآمد به شکل فرصت طلبانه کاهش دهد؛ یا آنکه او را ناچار سازد بر خلاف منافع شخصی‌اش، هزینه را کاهش دهد و در راستای منافع شرکت اقدام به تأمین مالی کند. نتایج فرضیه دوم پژوهش نشان داد تأثیر منفی تأمین مالی شرکت‌ها بر رفتار نامتقارن هزینه‌ها عمدتاً در شرکت‌هایی با کیفیت کنترل داخلی خوب، افزایش می‌یابد. این مطلب گویای این است که کنترل کیفیت داخلی شرکت نقش مؤثری در مدیریت رفتار هزینه نامتقارن ایفا می‌کند. عدم وجود کنترل‌های داخلی مؤثر عدم تقارن هزینه‌های اداری عمومی و فروش ناشی از تأمین مالی شرکت را افزایش می‌دهد. این یافته همسو با نتایج پژوهش ژو و همکاران [۳۹] می‌باشد. نتایج فرضیه سوم نشان داد شرکت‌های که انگیزه جبران خسارت قوی تری دارند، رابطه بین تأمین مالی شرکت و رفتار متقارن مجموع بهای تمام شده کالای فروش‌رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش کاهش می‌دهند. این یافته همسو با نتایج پژوهش ژو و همکاران [۳۹] است. نظام پاداش‌دهی درست سبب انگیزش درست هیئت مدیره در راستای کاهش هزینه‌ها و مشکلات نمایندگی و ایجاد همسویی با منافع خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت شرکت‌های با انگیزه جبران قوی، محیط تجاری خوبی ایجاد می‌کنند که برای تأثیر تأمین مالی شرکت بر رفتار نامتقارن هزینه مطلوب خواهد بود. نتایج فرضیه‌های چهارم نشان داد شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی قوی و مشکل نمایندگی کمتری دارند، تأثیر منفی تأمین مالی بر رفتار نامتقارن مجموع بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش به طور قابل توجهی افزایش می‌دهند. این یافته همسو با نتایج پژوهش کاستا و احسن حبیبی و ژو و همکاران [۳۹]، [۱۶] است. مدیرانی که مشکل نمایندگی بالاتری دارند اقداماتی چون تخصیص نادرست منابع شرکت و کنترل بیش از حد منابع شرکت در هنگام کاهش فروش را انجام می‌دهند. بر اساس تئوری نمایندگی، به دلیل تضاد نمایندگی بین مدیران و سهامداران، شرکت‌های با مشکل نمایندگی بالا تمایل بیشتری به چسبندگی هزینه دارند.

پیشنهادها

به پشتوانه نتایج حاصل از پژوهش می‌توان پیشنهاد کرد که در زمینه توسعه کم‌سرعت اقتصاد داخلی، دولت نگرش باز نسبت به تامین مالی شرکت‌ها را حفظ کند، که نه تنها به کاهش مشکلات مالی برخی از بنگاه‌ها از طریق خرید دارایی‌های مالی بین شرکت‌ها کمک می‌کند، بلکه به کاهش رفتار نامتقارن هزینه از طریق سرمایه‌گذاری نقدینگی ضعیف روی دارایی‌های مالی کمک می‌کند. پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها دارایی‌های مالی خود را در حد اعتدال نگه دارند. یک شرکت با حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر (کیفیت کنترل داخلی ضعیف، انگیزه جبران ضعیف و مشکل نمایندگی بالا) باید حاکمیت شرکتی را برای بهینه‌سازی بیشتر مدیریت رفتار نامتقارن هزینه بهبود بخشد.

سپاسگزاری

از کلیه افرادی که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند تشکر می‌نماییم. در این پژوهش از سازمان، نهاد یا شخصی کمک مالی دریافت نشده است.

References

1. Abu-Serdaneh, J. (2023). New Insights of Asymmetric Cost Behavior in Non-Financial MENA Companies. *Information Sciences Letters*, 12(1), 1-10.
2. Alavi, M; Yaqub Nejad, A; Mohammadi Nodeh, F. (2022). Investigating the effect of indicators related to monitoring financing mechanisms and factors affecting it. *Financial Economy*, 16(60), 325-354. (In Persian)
3. Ali Akbari, M. (2023). The effect of asymmetric cost behavior on the delay of the auditor's report in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Specialized Scientific Quarterly of New Research Approaches in Management and Accounting*, 6(23), 125-142. (In Persian)
4. Ali, H., Shafique, O., Khizar, H. M. U., Jamal, W. N., & Sarwar, S. (2021). Corporate governance and determinants of cost asymmetric behavior: evidence from Pakistan. *PalArch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology*, 18(1), 984-1008.
5. Amos Layola, M., Sophia, S. and Anita, M. (2016), "Effect of corporate governance on loan loss provision in Indian public banks", *Amity Journal of Corporate Governance*, Vol. 1 No. 1, pp. 1-15.
6. Anderson, M., Asdmir, O. & Tripathy, A. (2013). Use of precedent and antecedent information in strategic cost management. *Journal of Business Research*, 66(5), 643–650.
7. Anderson, M., Banker, R., & Janakiraman, S. (2003). Are selling, general, and administrative costs "sticky"? *Journal of Accounting Research*, 41(1), 47–63. <https://doi.org/10.1111/1475-679X.00095>
8. AZINFAR, K., mahdavi, R., dadashi, I., & Barzegar, G. (2022). Investigating the impact of financial report readability on financing policy with an emphasis on the role of corporate governance in companies listed on the Tehran Stock Exchange.. *Journal of Capital Market Analysis*, 2(3), 78-111. (In Persian)
9. Ballas, A., Naoum, V. C., & Vlismas, O. (2020). The effect of strategy on the asymmetric cost behavior of SG&A expenses. *European Accounting Review*, forthcoming. <https://doi.org/10.1080/09638180.2020.1813601>
10. Ballas, A., Naoum, V. C., & Vlismas, O. (2022). The effect of strategy on the asymmetric cost behavior of SG&A expenses. *European Accounting Review*, 31(2), 409-447.
11. Baradaran Hassanzadeh, R., Badavar Nahandi, Y., & Negahban, L. (2014). The Impact of Financial Constraints and Agency Costs of Investment Efficiency. *Financial Accounting Research*, 6(1), 89-106. (In Persian)

12. Barandak, S., & Mohammadi, F. (2020). The effect of Internal Control Weakness on the Asymmetrical Behavior of Selling, General, and Administrative Costs. *Journal of Accounting and Management Vision*, 2(17), 38-53. (In Persian)
13. Chen, C.X.; Lu, H.; Sougiannis, T. (2012). The agency problem, corporate governance, and the asymmetrical behavior of selling, general, and administrative costs. *Contemp. Account. Res.* 29, 252–282
14. Chen, Y., & Ma, Y. (2021). Financing constraints, internal control quality and cost stickiness. *Journal of Business Economics and Management*, 22(5), 1231-1251.
15. Choi, Y.S.; Hyeon, J.; Jung, T.; Lee, W.J. (2018). Audit pricing of shared leadership. *Emerg. Mark. Financ. Trade.* 54, 336–358.
16. Costa, Mabel D. , Ahsan Habib (2020). Md. Borhan Uddin Bhuiyan, Financial constraints and asymmetric cost behavior, *Journal of Management Control*, 10.1007/s00187-021-00314-7
17. Fallahshams, M. F., Eskandari, B., Azizi, F., & Norouzi, M. (2020). Social Capital and Asymmetric Cost Behavior. *Social Capital Management*, 7(3), 297-317. doi: 10.22059/jscm.2020.303117.2010. (In Persian)
18. Hajiha, Z; Oradi, J; Saleh Abadi, M. (2017). Weakness in internal controls and delay in financial accounting audit report. *Financial Accounting*, 33, 78-96. (In Persian)
19. Harford, J., Li, K., & Xinlei, Z. (2007). Corporate boards and the leverage and debt maturity choices. Available at: <http://ssrn.com/abstract=891300>.
20. Hartlieb, S., Loy, T., & Eierle, B. (2020). Does community social capital affect asymmetric cost behaviour? *Management Accounting Research*, 46, 100640. <https://doi.org/10.1016/j.mar.2019.02.002>
21. Huang, J. and Kisgen, D.J. (2013), “Gender and corporate finance: are male executives overconfident relative to female executives?”, *Journal of Financial Economics*, Vol. 108 No. 3, pp. 822-839.
22. Izadinia, N., Soutani, A., & Fakharmanesh, M. (2015). Effect of Prior Sales Changes on Asymmetric Cost Behavior. *Empirical Research in Accounting*, 4(4), 205-221. doi: 10.22051/jera.2015.1910. (In Persian)
23. Koo, J. H., Park, Y. H., & Paik, T. Y. (2008). A asymmetric cost behavior and strategic decision-making. *한국회계학회 학술발표논문집*, 1-27.
24. Lee, J., Park, J. H., & Hyeon, J. (2019). Co-CEOs and asymmetric cost behavior. *Sustainability*, 11(4), 1046.
25. Li, W. L. & Zheng, K. (2016). Product market competition and cost stickiness. *Rev Quant Finan Acc, Springer Science*.

26. Mahmood, M. and Orazalin, N. (2017). Green governance and sustainability reporting in Kazakhstan's oil, gas, and mining sector: evidence from a former USSR emerging economy, *Journal of Cleaner Production*, Vol. 164, pp. 389-397.
27. Mashaikhi, Bitra, & Parsai, Mona. (2013). The relationship between the financing of the company through debts and the quality of profits in the companies admitted to the Tehran Stock Exchange. 13(53). (In Persian)
28. Mehedi, S., Rahman, H., & Jalaludin, D. (2020). The relationship between corporate governance, corporate characteristics and agricultural credit supply: evidence from Bangladesh. *International Journal of Social Economics*, 47(7), 867-885.
29. Mortazavi Nasiri, M. S., Nikoomaram, H., & Banimahd, B. (2018). Asymmetric Cost Behavior: Review of Literature and Methodology. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7(28), 29-50. (In Persian)
30. Nikomaram, H., & Pazouki, P. (2015). Management bonus and earning persistence. *Management Accounting*, 8(24), 61-71. (In Persian)
31. Park, A.Y. (2014). Management's misappropriation and the cost stickiness in KOSDAQ. *Korean J. Manag. Account. Res.* 14, 1-32.
32. Salehi, M., Ziba, N., & Gah, A. (2018). The relationship between cost stickiness and financial reporting quality in Tehran Stock Exchange. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 67(9), 1550-1565. <https://doi.org/10.1108/IJPPM-10-2017-0255>
33. Shafi'inasab, Abdullah, & Ahmadi, Mohsen. (2022). The effect of companies' borrowing costs on the asymmetric behavior of general, administrative and sales costs. *Konkash Management and Accounting*, 6(2), 96-117. (In Persian)
34. Sung, S. Y., Choi, J. N., & Kang, S. C. (2017). Incentive pay and firm performance: Moderating roles of procedural justice climate and environmental turbulence. *Human Resource Management*, 56(2), 287-305. <https://doi.org/10.1002/hrm.21765>
35. Tariverdi, Y., Nik kar, J., & Malekkhodae Hasanvand, E. (2018). The Effect of the Company's Strategy and Managerial Ability on Asymmetric Cost Behavior. *Accounting and Auditing Review*, 24(4), 503-526. doi: 10.22059/acctgrev.2018.239658.1007673. (In Persian)
36. Vaez, S. A., Montazer Hojat , A. H., & Bonabi Gadim, R. (2018). The Effect of Profit Precision Dimensions On board of Director's Bonus in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 9(2), 131-161. doi: 10.22103/jak.2018.10108.2366. (In Persian)

37. Yasukata, K. (2011). Are “Sticky Costs” the result of deliberate decision of managers? (Working Paper). *Kinki University*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.1444746>
38. Zamani, Z., & Sohrabi, Z. (2018). The Effect of Corporate Governance and Audit Quality on Bank Loan Financing in Private Companies. *Journal of Asset Management and Financing*, 6(3), 133-146. doi: 10.22108/amf.2019.101253.1021. (In Persian)
39. Zhu, G., Hu, W., Peng, T., & Xue, C. (2021). The influence of corporate financialization on asymmetric cost behavior: weakening or worsening. *Journal of Business Economics and Management* 22(1), 21-41. <https://doi.org/10.3846/jbem.2020.136>

استناد

کبیری، محمدتقی؛ حیدری رستمی، کرامت الله و شهمرادی، فرینوش (۱۴۰۲). تاثیر تامین مالی شرکتی بر رفتار نامتقارن هزینه با تاکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کنترل داخلی، نمایندگی و سازوکارهای حاکمیتی. *چشم‌انداز مدیریت مالی*، ۱۳(۴۴)، ۹-۳۲.

Citation

Kabiri, Mohammad Taghi; Heydari Rostami, Keramat Allah & Shahmoradi, Farinosh (2023). The Effect of Corporate Financing on Asymmetric Cost Behavior With Emphasis on the Moderating Role of Internal Control, Representation and Governance Mechanisms. *Journal of Financial Management Perspective*, 13(44), 9 - 32. (in Persian)
